

مسجد شبکه‌ای اجتماعی برای تربیت

من یک مسلمان هستم

محمدرضا نظری (کارشناس ارشد ادیان غیر ابراهیمی و دانش آموخته سطح عالی حوزه)

اگر بخواهیم جنبه‌های مختلفی را برای یک دین در نظر بگیریم، بدون شک ساختمانی که مراسم مختلف دینی در آن انجام می‌شود، یکی از همین جنبه‌هاست. سازهایی که برای ادیان مختلف ساخته می‌شود، باید با آموزه‌های دینی در تناقض نباشد و آموزه‌های دینی اعم از عقائد و حقوق و اخلاق و... ارتباط تنگاتنگی با معماری محل دینی دارد. مسجد هم یکی از همین سازهایی است که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در انتقال مفاهیم دینی داشته باشد. متأسفانه امروزه نگاه ما به مسجد نگاه لائیک‌گونه است و هیچ کارکردی جز عبادت آن هم از نوع عبادت شخصی برای مسجد در نظر نمی‌گیریم. هر چند که مهمترین کارکرد مسجد جنبه عبادی آن است اما این نوشتار سعی دارد به معرفی کارکردهای گوناگون دیگر مسجد بپردازد تا نشان دهد که مسجد نهاد حرکت و پویایی دین اسلام است و احیای مساجد به منزلهٔ برافراشتن علم دین است.

آموزش و تعلیم: روزی رسول خدا وارد مسجد شدند و دو گروه در مسجد حضور داشتند. گروه اول مشغول ذکر و دعا و عبادت بودند و گروه دوم به تعلیم و تعلم پرداخته بودند. حضرت نگاهی به دو گروه در مسجد کردند و فرمودند: «هر دو گروه در کار خیر هستند؛ اما من برای تعلیم مبعوث شده‌ام و سپس به جمع طالبان علم پیوستند». در جهان امروز آموزش از فرایندهای مهم توسعه و رشد اجتماعی به شمار می‌آید. تاریخ مسلمانان نشان می‌دهد حوزه‌های درسی حول مسجد شکل می‌گرفتند؛ نمونه آن مساجدی همچون جامع اموی، جامع الازهر و جامع المنصور است که در آن فقه، اصول، فلسفه، طبیعیات، ریاضیات، نجوم و... را تدریس می‌کردند.

مسجد مانند یک مربی: صرف حضور در مسجد می‌تواند مردم جامعه را به گونه‌ای خاص تربیت کند. مسجد می‌تواند حس برابری را در بین مردم تقویت کند. حضور سیاه و سفید، فقیر و غنی، رئیس و زیردست در یک صف، خود به معنی برابری همه در مسجد است. هراس لیف دانشمند اروپایی می‌گوید: «من بسیاری از کلیساها و معابد را دیده‌ام که در آنها مساوات برقرار نیست و طبیعتاً گمان می‌کردم که باید همین تبعیض در داخل معابد اسلامی هم حکم‌فرما باشد؛ ولی هنگامی که در روز عید فطر در مسجدی در لندن، ملاحظه کردم که عالی‌ترین نوع مساوات در میان مسلمانان وجود دارد، سخت دستخوش حیرت شدم. من دیدم که نژادهای مختلف و شخصیت‌های عالی و دانی، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و برادرانه مشغول عبادت هستند».^۳

محور محله: مساجد همواره محور محلات بوده است که اکنون کمتر به این محور توجه می‌شود. در شهرسازی پیشینیان، بازار، خانه‌ها و ارگان‌های حکومتی همواره در حول مسجد شکل می‌گرفته‌اند. متأسفانه زمانی که ما خواسته یا ناخواسته به سراغ تأسیس نهادهایی مثل فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ رفتیم و از مسجد و محوریت آن در جامعه و فرهنگ غافل ماندیم، ذائقه فرهنگی و اجتماعی ما تغییر کرد.

مسجد مرکز تصمیمات سیاسی: مسجد در کنار کارکردهایی که داشته همواره به عنوان کانون سیاسی نیز شناخته می‌شده است. اهمیت مسجد به گونه‌ای بوده که ارتش در هنگام جنگ‌ها محل تجهیز سپاه اسلام بوده است. در این زمینه امام خمینی می‌فرماید: «مسجدها در صدر اسلام به این صورتی که بعدش به توسط اشخاصی منحرف به این صورت‌های مبتذل درآمد، در صدر اسلام این‌طور نبوده. مسجدها محلی بوده است که از همان مسجد ارتش راه می‌افتاد برای جنگ با کفار و با قلدرها؛ از همان توی مسجد. آنجا خطبه خوانده می‌شد، دعوت می‌شدند مردم به اینکه فلان مثلاً آدم متعدی در فلان جا قیام کرده بر ضد مسلمین یا مال مردم را چپاول می‌کند، قلدری می‌کند، انحرافات دارد، و از همان مسجد راه می‌افتادند و می‌رفتند طرف دشمن. از همان جا قراردادهای حاصل می‌شد».^۴

مسجد و تجارت: اسلام دین میانه‌روی و تعادل است و هیچ‌گاه مردم را به ترک دنیا امر نکرده است. تنها مسئله‌ای که اسلام آن را مذمت کرده، وابستگی به دنیا و امور دنیوی است. از همین رو در سوره جمعه به مؤمنین امر می‌کند که هنگام اقامه نماز تجارت را رها ساخته و در اجتماع مسلمانان حضور پیدا کنند. با تمامی این تفاسیل، در سنت معماری اسلام همواره بازارها در کنار مساجد شکل می‌گرفتند و بازاریان و تاجران به هنگام نماز به مسجد رفته و علاوه بر اقامه نماز، شریعت خود را فرا می‌گرفتند و از حال دیگر مؤمنین نیز اطلاع می‌یافتند. روزه گارودی می‌گوید: «در دوران عظمت اسلام زندگی شهر در مسجد جریان داشت. در آنجاست که قراردادهای تجاری بسته می‌شود؛ زیرا اسلام تمایزی میان مقدس و نامقدس نمی‌شناسد. اجرای شریعت بیش از هر چیز به این معنا بوده است که انسان ۲۴ ساعت شبانه‌روز در محضر خداوند به سر می‌برد و هر عملی در زیر نگاه او انجام می‌شود».^۵

مسجد محل پیوند زناشویی: هنوز جوانانی هستند که پیوند زناشویی خود را از مسجد آغاز می‌کنند. پیامبر اسلام خطبه عقد حضرت علی و حضرت زهرا (علیهما السلام) را در مسجد خواندند.^۶ به دستور پیامبر ولیمه‌ای تدارک دیده شد و سفره‌ای را در مسجد پهن کردند و بسیاری از مردان و زنان مسلمان اطعام شدند. سپس پیامبر دست دختر خود را در دست حضرت علی (علیه السلام) گذاشت.^۷ امروزه نیز سنت ازدواج در مسجد در میان مسلمانان و خصوصاً در کشورهای هم‌چون مالزی و اندونزی رواج دارد.

مسجد محل کمک به نیازمندان: از دیگر کارکردهای مسجد کمک به نیازمندان است. پس از هجرت پیامبر به مدینه، گروهی از مهاجرین که تمام مال خود را در مکه گذاشته بودند، بر روی صفا - سکو - مسجدالنبی روزگار می‌گذرانیدند.

سنت رسیدگی به نیازمندان همواره ادامه داشت؛ اما متأسفانه چند سالی است که این امر در جامعه کمرنگ شده است. شاید هنوز هم مردمانی باشند که هنگام گرفتاری مؤمنین، در مسجد گرد هم جمع می‌شوند و گرهی را از کار یک مسلمان باز می‌کنند.

مسجد محل بازی کودکان: امروزه بسیاری از نمازگزاران از سر و صدای کودکان در مسجد ناراحت هستند و گاهی هم با تندی با آنان برخورد می‌کنند؛ بی آنکه متوجه باشند که در گذشته همواره برای بازی کودکان در کنار مسجد محلی را قرار می‌دادند. فایده این کار علاوه بر حضور والدین در مسجد، رشد کودکان با فرهنگ مسجد، دوستی‌های سالم، اجتماعی بار آمدن آنها و... بوده است.

مسجد محل همدلی و تعاون: تعاون همواره از شعارهای اسلامی بوده است. مردم هر محل می‌توانند با گردآمدن در مسجد، بسیاری از مشکلات خود و جامعه را برطرف کنند. مارسل بوازار، اسلام‌شناس سوییسی، می‌نویسد: «مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت؛ مخصوصاً در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگر بار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان درآمده است. و به تدریج مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».^۸ بدون شک همدلی و همدردی مردم در مساجد بیش از سایر اجتماعات دیگر است و چنانچه مردم در مساجد حضوری مستمر داشته باشند، زیرساخت‌های بهداشت روانی محکم‌تر خواهد بود و جامعه کمتر دچار آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

پی‌نوشت:

۱. اعراف: ۳۱.
۲. پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان، ترجمه ثواب‌الاعمال، ص ۹۰.
۳. غلامرضا نیشابوری، داستان‌ها و حکایت‌های مسجد، ص ۲۶.
۴. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۴۷.
۵. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۱.
۶. مناقب، ج ۳، ص ۳۵۱.
۷. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴-۱۱۶.
۸. مارسل بوازار، اسلام در جهان امروز، ص ۱۰۱-۱۰۲.